

تبیین بسترهای پیاده‌سازی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران

فاطمه هوشیدری فراهانی^۱ * محمد حسن زاده^۲ * فاطمه زندیان^۳

چکیده

آزادی اطلاعات از آغاز قرن بیست و یکم جایگاه ویژه‌ای یافته و از آن با عنوان اکسیژن دموکراسی یاد می‌شود. در ایران، تصویب قانون مربوط به آزادی انتشار و جریان اطلاعات در سال ۱۳۸۸ بستری را جهت پاسخگویی به نیاز دسترسی آزاد به اطلاعات فراهم آورد. اجرای این قانون می‌تواند در حکم انقلابی اساسی در نظام اداری، اجرایی و مدیریتی کلان کشور ارزیابی شود. ایجاد ساختارهای لازم و بسترهای مناسب از جمله پیش نیازهای اجرای این قانون است. لذا تبیین بسترهای لازم برای اجرایی شدن این قانون و اولویت‌بندی آنها، هدف پژوهش حاضر است.

این پژوهش از نوع پیمایشی - توصیفی است که با روش آمیخته اکتشافی که ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی است، صورت پذیرفت و داده‌های حاصل با کدگذاری و آزمون آماری رگرسیون در نرم‌افزار SPSS19 تحلیل شد.

از تحلیل داده‌ها، شش بستر اصلی تحت عناوین: بستر حقوقی، سیاسی، فرهنگی - اجتماعی، فنی، اداری و اقتصادی استخراج شد. بستر فرهنگی - اجتماعی با ضریب بتای (۰/۴۶۳) قوی‌ترین متغیر پیش‌بین بر پیاده‌سازی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات است و بعد از آن به ترتیب بستر حقوقی با ضریب بتا (۰/۲۳۱)؛ بستر سیاسی با ضریب بتا (۰/۱۱۳)؛ بستر اقتصادی با ضریب بتا (۰/۱۱)؛ بستر فنی با ضریب بتا (۰/۴۱) و بستر اداری با ضریب بتا

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده مسئول (f.houshidary@modares.ac.ir)

۲. دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (hasanzadeh@modares.ac.ir)

۳. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (zandian@modares.ac.ir)

(۰/۰۲۵) قرار دارد.

واژگان کلیدی: قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، بسترهای آزادی اطلاعات، جریان آزاد اطلاعات.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی ♦ سال هفتم ♦ شماره بیست‌وششم ♦ بهار ۹۷ ♦ صص ۶۵-۳۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۷/۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۰/۷



مقدمه

تمدن بشری هیچ زمانی مانند امروز اینچنین به اطلاعات وابستگی نداشته است. روند رشد علمی در دهه‌های اخیر با تکیه بر گردش سریع اطلاعات بسیار بیشتر از گذشته شده و بدین‌سان عصر کنونی به «عصر اطلاعات» تغییر نام یافته است. این تحول عرصه‌های گوناگون زندگی بشر را دگرگون و بشر را در بسیاری حوزه‌ها، مجبور به تعریف دوباره مفاهیم کرده است؛ نظیر حوزه اداره امور و حکومت‌داری و از جمله مردم‌سالاری. در عصر فناوری اطلاعات، شیوه‌های سنتی حکومت‌داری به چالش کشیده شده و مطالبات و توقعات شهروندان برای کسب اطلاعات بیشتر بالا رفته است. ضرورت دستیابی به اطلاعات، مطالباتی در پی داشت که منتهی به بروز مباحث آزادی اطلاعات شد و حقوق‌دانان با تکیه بر آن ادبیات حقوقی نظیر آزادی بیان، آزادی مطبوعات و آزادی اطلاعات را مطرح کردند. آزادی اطلاعات و حقوق ناشی از آن، لازمه تحقق مفهوم شهروندی و یکی از موضوع‌های اصلی گفتمان مشارکت مردم‌سالارانه و مقدمه پاسخگویی حکومت‌ها به افکار عمومی است (صدقی، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

حق دسترسی به اطلاعات، نخستین بار در سال ۱۷۶۶ در قانون مطبوعات سوئد و برای روزنامه‌نگاران به رسمیت شناخته شد. اما شناسایی گسترده این حق در سطح بین‌المللی تنها در ربع قرن بیستم صورت گرفته است. از دهه ۱۹۸۰ به بعد اقتدارگرایی دچار اضمحلال و ظهور دموکراسی‌های جدید، منجر به وضع قوانین جدیدی در زمینه آزادی اطلاعات شد و کشورهای توسعه‌یافته با در نظر گرفتن فواید این آزادی قوانین و مقررات مربوط به آن را تدوین و تصویب کردند (عین‌الهی، ۱۳۹۲: ۸۶). با گذشت زمان نیز تصویب و اجرای قوانین مربوط به آزادی اطلاعات معیاری برای توسعه‌یافتگی و مبارزه با فساد دانسته شد (عرفان‌منش، ۱۳۸۶: ۱۲). قانون‌گذار ایرانی نیز ضرورت دسترسی آزاد به اطلاعات را دریافت و سرانجام قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات را در سال ۱۳۸۸ تصویب کرد. در سال ۱۳۸۳، لایحه‌ای تحت عنوان «لایحه انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» از طرف

هیأت دولت وقت (دولت سیدمحمد خاتمی) به مجلس شورای اسلامی ارسال شد که در نهایت بعد از حدود چهار سال بحث و بررسی درباره جنبه‌های مختلف این لایحه، مجلس آن را با اصلاحاتی اساسی در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷ و در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد تصویب و جهت اظهار نظر به شورای نگهبان فرستاد. شورای نگهبان با ذکر شش ایراد و یک تذکره، مصوبه مجلس را بازگرداند تا پس از رفع ایرادات، مجدداً به شورا تقدیم شود. در نهایت این قانون در تاریخ ۳۱ مرداد ۱۳۸۸ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام با الحاق یک تبصره ذیل (ماده ۱۰) موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد. در آبان ۱۳۹۳ آیین‌نامه کلی این قانون به تصویب هیأت وزیران رسید و آذر همان سال قانون برای اجرا به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد. اکنون آیین‌نامه اجرایی ماده «۱۸» و «۸» این قانون نیز به تصویب رسیده و با ۲۳ ماده و سه آیین‌نامه، آماده اجراست. آن طور که از محتوای این قانون برداشت می‌شود، منظور از آزادی اطلاعات، آزادی دسترسی افراد جامعه به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و برخی مؤسسات غیرعمومی است. به‌رغم آن که وضع قانون و تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی آن برای حمایت از آزادی اطلاعات لازم است اما کافی نیست. لذا برای حمایت کارآمد و اجرایی شدن آن تمهیدات و پایبندی به لوازم آن ضروری است.

در قرارداد نوشته و نانوشته حاکمیت و مردم، یکی از مبانی دموکراسی، دسترسی آزاد به اطلاعات توسط مردم است. ساختار قدرت در جامعه‌ای مبتنی بر احترام به حقوق شهروندی، در بخش انتشار اطلاعات نیز همین حقوق را برای شهروندان قائل است (نمک‌دوستی، ۱۳۸۳: ۴). تصویب قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران، ورود به گستره جدیدی از پذیرش حقانیت مردم و مطالبات آنان در خصوص اخبار و اطلاعاتی است که در زندگی نوین امروز بدون آن امکان مشارکت در اداره مملکت ممکن نیست و خسران این عمل نه تنها متوجه مردم و موجب تحکیم ناآگاهی آنان بلکه اعمال ضرر به حاکمیت، نظام و نهادهای عمومی خواهد بود. زیرا هر چه آگاهی مردم بالاتر رود، امکان مشارکت مسئولانه و اقدامات بخردانه آنان در امور جاری کشور افزایش خواهد یافت و نقد نشات گرفته از اطلاعات جدید و ارائه پیشنهادات نوین برای حل مشکلات از جانب آنان می‌تواند در توسعه کشور مؤثر و مفید باشد. بنابراین وجود این قانون ما را وارد فضای جدیدی در دهه ۴۰ بعد از انقلاب کرده و نهادهای عمومی را به سمت ارائه اطلاعات، انتشار اخبار و اطلاع‌رسانی به مردم هدایت می‌کند (دسترس‌ی آزاد به اطلاعات؛ حق اولیه

شهروندان). دسترسی آزاد به اطلاعات، موجب آمادگی مردم در برخورد با معضلات و همراهی با دولت در اجرای برنامه‌ها و کاهش فساد اداری می‌شود و از مصادیق نبود آن، اختلاس‌های پی‌درپی است که متأسفانه در سال‌های اخیر به یکی از مشکلات کلان کشورمان تبدیل شده است. همچنین شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی در سطح کشور و جذب اخبار از مجاری و منابع غیرقابل اطمینان توسط مردم و تکرار وقایعی همچون فتنه ۱۳۸۸ از آن جمله است. تنها تأکید بر آزادی و تأمین حقوق مردم در تحصیل و دسترسی آزاد به اطلاعات نیست، مهمتر از آن، تعیین تکلیف و اجبار نهادهای عمومی به ارائه اطلاعاتی است که دانستن آنها حق مردم است. چرا که مردم، صاحبان حق بوده و حاکمیت و قوای سه‌گانه، مجری خواسته‌های مردم و مکلف به تأمین نیازهای آنها هستند (انصاری، ۱۳۸۱: ۳). بر اساس این قانون باید زمینه‌های سانسور و فیلترینگ اطلاعات به حداقل رسانده شود. البته در مواقعی که اطلاعات مربوط به امور خلاف اخلاق و ارزش‌های حیاتی کشور باشد، کماکان معیارهای خاص دموکراتیک و قانونی حاکم است و وظیفه حاکمیت است که مردم را از مسیر این اطلاعات خسران‌ساز در حاشیه امنیت قرار داده و حراست نماید. اما نهادها و ارگان‌ها نباید به بهانه جلوگیری از اطلاعات نادرست، به صورت سلیقه‌ای ارائه و انتشار اطلاعات را ممنوع سازند (ویژه، ۱۳۹۰: ۱۸). جهت تحقق این اهداف تلاش برای اجرایی کردن هر چه سریعتر این قانون الزامی است.

اولین گام در هموار کردن مسیر اجرای این قانون «فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن» آن است. مدیران ما باید این قانون را باور داشته باشند، کارمندان خود را ملزم به ارائه اطلاعات به ارباب رجوع بدانند و مردم هم مطلع باشند که دسترسی آزاد به اطلاعات چیست و براساس این قانون چه حق و حقوقی برای آنها ایجاد می‌شود. لذا برای ایجاد فهم عمومی از این قانون، فرهنگ‌سازی و آموزشی عمیق لازم است. اگر این قانون به‌عنوان گفتمان رایج جا بیفتد و همه درباره آن حرف بزنند، خودبه‌خود تبدیل به مطالبه عمومی می‌شود (این قانون انقلاب می‌کند، ۱۳۹۴).

قانون دسترسی آزاد به اطلاعات همان قدر که می‌تواند نتایج مثبتی در زمینه جلوگیری از فساد داشته باشد، ممکن است ابزاری برای آبروبری و آبرودهی و نوعی فوتبالیسی شود؛ بنابراین باید زمینه‌های فرهنگی این قانون فراهم شود. رسانه‌ها به‌عنوان یکی از ابزارهای اجرایی این قانون، هم در ایجاد مطالبه بین مردم و دستگاه‌ها و هم گفتمان‌سازی برای آن، سهم مهم و مؤثری دارند. از آنجایی که این قانون هنوز به‌طور کامل به مرحله

اجرا درنیامده، پژوهش حاضر به دلیل پاسخگویی به سؤالات زیر می‌تواند در سرعت بخشیدن به روند اجرای آن حائز اهمیت باشد:

۱. زیر ساخت‌ها و تمهیدات لازم جهت اجرایی شدن قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات کدام است؟
۲. اولویت بندی بسترها و زمینه‌های لازم جهت اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات به چه ترتیبی است؟
۳. اجرای قانون دسترسی آزاد به اطلاعات چه تغییراتی در سیستم اداری، اجرایی دولتی کشورمان به همراه خواهد داشت؟

۱. مبانی نظری

حق آگاهی از جمله حقوق شهروندی که دارای ابعاد گسترده‌ای است. حق آگاهی در مفهوم مضیق آن، آزادی در جستجوی اطلاعات است و در مفهوم موسع آن، حق دسترسی به اطلاعات یا حق دریافت اطلاعات است. واژه «آزادی اطلاعات»^۱ برای نخستین بار در دوره پیش از جنگ جهانی دوم، در مباحثه‌های بین‌المللی مطرح شده بود. قطعنامه شماره ۵۹ مجمع عمومی ملل متحد مصوب ۱۹۴۶ میلادی، به‌عنوان نخستین سند بین‌المللی، آزادی اطلاعات را مطرح کرده بود. براساس این سند، این آزادی شامل توانایی جستجو، انتقال، انتشار و دریافت آزادانه آگاهی‌ها و اندیشه‌هاست (معتدئزاد، ۱۳۸۶: ۱۶۶). نتیجه و محصول آزادی اطلاعات، حق دسترسی آزاد به اطلاعات است (قادری، ۱۳۸۹: ۵۴). حق دسترسی به اطلاعات به معنی اینکه هر یک از اعضای جامعه بتوانند تقاضای دسترسی به اطلاعاتی را داشته باشد که در یکی از مؤسسات عمومی نگهداری می‌شود و آن مؤسسه جز در موارد استثنایی و احصاء شده و مشخص، اطلاعات درخواستی را در اختیار متقاضی قرار دهد (انصاری، ۱۳۸۷: ۲۶). منظور از اطلاعات در آزادی اطلاعات، تمام سوابق و اسناد و مدارکی است که صرف نظر از شکل ذخیره و نگهداری (سند، نوار، فیلم و...) صرف نظر از منبع (این که به وسیله مقام عمومی یا سایر مقامات تولید شده باشد) و صرف نظر از تاریخ تولید، در یک واحد دولتی نگهداری می‌شود (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۲).

توماس هارت^۲ و کارولین وزل^۳ (۲۰۰۷) فواید تصویب و اجرای قانون آزادی

1. Freedom of information

2. Thomas Hart

3. Carolin Welzel

اطلاعات را چنین بر می‌شمرند:

۱. شفافیت: قانون آزادی اطلاعات با استقرار اصل انتشار علنی اطلاعات مجاز، فضای تفاهم، اعتماد و همکاری را میان شهروندان و دولت به وجود می‌آورد. به اعتقاد صاحب‌نظران، پرهیز شهروندان از مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به میزان زیادی ناشی از فقدان اطلاعات درباره کنش‌های واقعی دولت‌هاست.

۲. تقویت مشارکت مدنی: تنها هنگامی میتوان بر بی‌توجهی ناشی از نارضایتی غلبه کرد که شهروندان باور کنند حضور آنان در این عرصه جدی تلقی می‌شود و درون‌داد آنان بر سیاست‌ها و عملکردها تأثیرگذار است.

۳. افزایش کارآمدی: اگر امکانات فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و نوسازی شیوه‌های اجرایی که از آن به‌عنوان «دولت الکترونیکی» تعبیر می‌شود، با تصویب و اجرای درست قوانین آزادی اطلاعات همراه شود، به میزان چشمگیری بر کارآمدی نظام اداری کشورها افزوده خواهد شد.

۴. پیشگیری از فساد: یک فرهنگ اجرایی شفاف در مقابله با فساد به مراتب تواناتر است. مثلاً کشور سوئد دارای کهن‌ترین سنت آزادی اطلاعات است و در عین حال یکی از پایین‌ترین نرخ‌های فساد اداری را در جهان داراست.

۵. تقویت فرایندهای اداری اصلاح‌گرایانه: به میزانی که بر شفافیت دستگاه‌های حکومتی افزوده شود، به همان میزان فرایندهای اصلاحی اداره امور تقویت می‌شود. آثار این امر در سه زمینه قابل مشاهده است:

– ایجاد انگیزه برای نوآوری

– انسجام اجتماعی

– تحول فرهنگ

همچنین به رسمیت شناختن آزادی اطلاعات به‌عنوان یک حق بنیادین بشر، دو نتیجه مهم را در پی دارد:

نخست: اطلاعات، ابزاری برای تأمین منافع حکومت‌کنندگان و سیاست‌گذاران نیست و باید از آن در جهت تأمین منافع عموم بهره‌گرفت. استدلال چنین است که در یک جامعه دموکراتیک، دولت نه مالک بلکه امانت‌دار اطلاعات است. در چنین جوامعی شهروندان به حکومت خود اعتماد می‌کنند، تا اطلاعات را در جهت منافع آنان گردآوری و مرتب کنند. در پرتو اجرای قوانین آزادی اطلاعات، حکومت‌ها دیگر حافظ اطلاعات

نخواهند بود بلکه به تدریج به واسطه‌های اطلاعات تبدیل خواهند شد.
 دوم: اصل بر خورداری همگان از حداکثر آزادی اطلاعات است. به این ترتیب، اطلاعات در دوران جدید تنها یک کالای عمومی نیست، بلکه یک منبع عمومی نیز هست. اگر قرار باشد افراد جامعه نقش فعال‌تر و مسئولیت‌های بزرگتری را در سازماندهی جامعه بر عهده بگیرند، آنان باید بتوانند بر پایه اطلاعات جامع، آزادانه اندیشه کنند و به تبیین و تدوین نظریه‌های خود بپردازند (ویژه، ۱۳۹۰: ۴).

از آنجا که آزادی اطلاعات مفهومی چندوجهی است، لذا برای آن مبانی مختلف سیاسی و حقوقی بر شمرده شده است:

الف) مبانی سیاسی: مقصود از مبانی سیاسی، دلایل و توجیهاتی هستند که درباره نقش آزادی اطلاعات در شکل‌گیری اعمال و توزیع قدرت در جامعه ارائه شده‌اند که شامل: بهبود کارکرد آزادی بیان، شفافیت، حق مشارکت و تعیین سرنوشت است.

ب) مبانی حقوقی: که این آزادی را از نقطه نظر تعلق اطلاعات به مردم، پاسخگوسازی حکومت، خلاف قاعده بودن عدم ارائه اطلاعات، و نقش آن در مبارزه با فساد اداری مورد بررسی قرار می‌دهد.

از سوی دیگر برای آن که آزادی اطلاعات جنبه واقعی و مؤثر داشته باشد، باید بر چهار اصل اساسی، که عناصر تشکیل‌دهنده آن شناخته می‌شوند، استوار باشد:

الف) دسترسی آزادانه به محل رویدادها: دسترسی به محل رویدادها و منبع اخبار

ب) جریان آزاد اطلاعات: انتقال دادن و مخابره کردن و جریان یافتن آزادانه اخبار

ج) انتشار آزادانه اطلاعات

د) آزادی دریافت (انصاری، ۱۳۸۷: ۳۸).

۲. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر بحث آزادی اطلاعات در مجامع حقوقی کشور اهمیت خاصی پیدا کرده است. با وجود این مباحثی که در این زمینه صورت گرفته اغلب به ضرورت و اهمیت این آزادی معطوف بوده و به سایر جنبه‌های آن توجه زیادی نشده است. زمینه‌های لازم جهت اجرایی شدن «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران» موضوعی است که عموماً در پژوهش‌های دانشگاهی ما مغفول مانده است. از محدود تحقیقات انجام‌شده در ارتباط با این قانون، می‌توان به مطالعه‌ای اشاره کرد که به ارزیابی قانون انتشار و دسترسی آزاد به

اطلاعات در ایران در پرتوی اصول آزادی اطلاعات پرداخته (صدقی، ۱۳۹۲) و این قانون را فاقد هماهنگی کامل با اصول آزادی اطلاعات دانسته است. همچنین پژوهشی که در آن حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و اسناد دولتی در نظام حقوقی ایران (نادری، ۱۳۹۰) مورد بررسی قرار گرفته و قوانین و خط‌مشی‌هایی که در برگیرنده تمهیداتی به منظور دسترسی به اطلاعاتی است که در اختیار ارکان عمومی حکومت ایران قرار دارد موشکافی شده است.

مطالعه حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و نقش آن در پیشبرد دموکراسی (نمک‌دوست تهرانی، ۱۳۸۳) که به بررسی بنیان‌های نظری به رسمیت شناخته شدن حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و رابطه این حق با دموکراسی، امنیت ملی و حریم خصوصی پرداخته؛ آزادی اطلاعات و تأثیر آن بر نظارت مردمی در نهادهای عمومی (قادری، ۱۳۸۹)؛ جرائم علیه حق دسترسی آزاد به اطلاعات در حقوق ایران و ایرلند (سلیمان دهکردی، ۱۳۹۱)؛ سیاست جنایی ایران در قبال حق دسترسی آزاد به اطلاعات (بهروزی، ۱۳۹۰) که به مطالعه حقوق کیفری ایران در حمایت از حق دسترسی آزاد به اطلاعات پرداخته؛ آینده پژوهی آزادی اطلاعات توسط رسانه‌های مکتوب (عین‌الهی، ۱۳۹۲) از دیگر پژوهش‌هایی که حول محور قانون آزادی اطلاعات در ایران صورت گرفته است.

از آنجایی که کشورهای اروپایی و آمریکایی در تصویب و اجرای این قانون حدود دو دهه از ما جلوتر هستند، بیشتر پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر با این موضوع در این کشورها صورت گرفته در راستای ضرورت و علل اجرایی شدن این قانون در سایر کشورها و آثار مثبت و منفی اجرای آن است. مانند پژوهش: جهانی شدن و جریان آزاد اطلاعات (Tynes, 2001)؛ یا آیا جامعه اطلاعاتی بدون آزادی دسترسی به اطلاعات امکان‌پذیر است؟ (Lor, 2007) و یا رسمی کردن شفافیت: انتشار جهانی آزادی اطلاعات در قانون و عمل (Berliner, 2012).

۳. روش پژوهش

آنچه پژوهش‌های علمی را اعتبار می‌بخشد، روش تحقیق و روش‌شناسی به کار گرفته شده است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و با روش آمیخته اکتشافی صورت پذیرفته است. داده‌های مورد نیاز نیز در بخش کیفی و کمی به ترتیب با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته و پرسشنامه گردآوری شد و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش نظریه‌مبنایی و ابزار کدگذاری و آزمون آماری رگرسیون انجام شد.

۴. جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق حاضر، متخصصان و خبرگانی هستند که در زمینه آزادی اطلاعات از دانش کافی برخوردارند، اشراف کامل بر ماده و تبصره‌های قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات دارند و با مفاهیم و ادبیات این حوزه نیز آشنا هستند.

نمونه آماری: در این پژوهش از روش «نمونه‌گیری با استفاده از تکنیک‌های هدفمند چندگانه» و ذیل آن از دو راهبرد «نمونه‌گیری بر مبنای اعتبار (اشتهار)» و «نمونه‌گیری گلوله برفی» استفاده شده است. از آنجا که هدف تحقیقات کیفی به دست آوردن درک عمیقی از مشارکت کنندگان است که به صورت هدفمند و بر اساس معیاری خاص انتخاب می‌شوند، در این تحقیق نیز از روش «گلوله برفی» به منظور شناسایی صاحب‌نظران آزادی اطلاعات و نمونه آماری مناسب استفاده شده است. به این منظور با ۱۰ نفر از صاحب‌نظران و خبرگان حوزه آزادی اطلاعات مصاحبه صورت گرفت. گروه اولیه ۳ نفر از فعال‌ترین و شناخته شده‌ترین فعالان این حوزه بودند که از هر یک از آنها خواسته شد تا خبرگانی را بر اساس تعریف جامعه آماری معرفی کنند. با توجه به روش نمونه‌گیری و قاعده اشباع نظری در پژوهش‌های کیفی، پس از انجام هفتمین مصاحبه معلوم شد که در اثر پرسش و پاسخ، مصاحبه‌شوندگان دیگر داده‌های جدیدی ایجاد نمی‌کنند. اما برای جلوگیری از پدیده اشباع موقتی مصاحبه‌ها را پی گرفتیم و توانستیم با توجه به محدودیت‌های موجود با ۱۰ نفر از جامعه آماری مصاحبه انجام دهیم. در بخش کمی نیز ۱۱۵ نفر از خبرگان به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

۵. تعیین حجم نمونه

یک حجم نمونه برای تحقیقات کیفی، حجم نمونه‌ای است که به نحو کفایت به سؤالات تحقیق پاسخ می‌دهد. در تحقیق کیفی هنگامی جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها متوقف می‌شود که اطلاعات در مورد همه دسته بندی‌های مورد نظر اشباع شود. و این امر زمانی رخ می‌دهد که اطلاعات جدیدی، مرتبط با موضوع مورد مطالعه به دست نیاید. از این رو در تحقیقات کیفی، حجم نمونه را مترادف با کامل شدن داده‌ها یا اشباع داده‌ها می‌دانند. حجم نمونه در بخش کمی پژوهش با استفاده از جدول نمونه‌گیری مورگان تعیین شده است.

۶. روش گردآوری داده‌ها

یکی از اصلی‌ترین بخش‌های هر کار پژوهشی را جمع‌آوری اطلاعات تشکیل می‌دهد. چنانچه این کار به شکل منظم و صحیح صورت پذیرد، کار تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری از داده‌ها با سرعت و دقت انجام خواهد شد. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از دو روش بهره گرفته شده است:

روش کتابخانه‌ای: جهت گردآوری اطلاعات در زمینه نظری و ادبیات پژوهش از منابع کتابخانه‌ای، مقالات و کتاب‌های مورد نیاز استفاده شده است.

روش میدانی: به روش‌هایی اطلاق می‌شود که در آن محقق برای جمع‌آوری اطلاعات ناگزیر است به محیط بیرون برود و با مراجعه به افراد، سازمان‌ها، مؤسسات و برقراری ارتباط مستقیم با آنها، اطلاعات مورد نیاز خود را جمع‌آوری نماید. در این پژوهش به منظور جمع‌آوری نظرات خبرگان و صاحب‌نظران از مصاحبه و پرسشنامه استفاده شده است.

۱-۶. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی

به منظور شناسایی بسترهای پیاده‌سازی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شده است تا بدین وسیله هم ساختار مشخصی برای سؤالات، و هم امکان تبادل نظر و عقیده و هدایت مصاحبه‌شونده وجود داشته باشد. در این پژوهش تلاش شد جهت کسب داده‌های غنی تا حد امکان از مصاحبه‌های حضوری بهره بگیریم و در مواقعی که امکان دسترسی به مصاحبه‌شوندگان وجود نداشت، مصاحبه تلفنی و کتبی (ارسال از طریق ایمیل) صورت گرفت. مصاحبه‌امکان برقراری تماس مستقیم با مشارکت‌کننده را فراهم می‌آورد و با کمک آن می‌توان به ارزیابی دقیق‌تر ادارک‌ها، نگرش‌ها، علایق و آرزوهای مشارکت‌کنندگان پرداخت. مصاحبه‌ابزاری است که امکان بررسی موضوع‌های پیچیده، پیگیری پاسخ‌ها و پیدا کردن علل آن را فراهم می‌کند (مقیمی، ۱۳۷۷: ۳۶-۳۵).

۲-۶. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در بخش کمی

ابزار جمع‌آوری در هر پژوهش پیمایشی، پرسشنامه است. پرسشنامه، مجموعه‌ای از

سؤالات است که پاسخ‌دهنده با ملاحظه آنها پاسخ‌های لازم را ارائه می‌دهد. این پاسخ‌ها، داده‌های مورد نیاز پژوهشگر را تشکیل می‌دهد. جهت تحقق هدف پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته‌ای با استفاده از طیف لیکرت طراحی شد، که شامل دو بخش است:

(الف) سؤالات عمومی: در سؤالات عمومی سعی شده است اطلاعات کلی و جمعیت شناختی در رابطه با پاسخ‌دهندگان جمع‌آوری شود.

(ب) سؤالات تخصصی: در بخش سؤالات تخصصی، که متن اصلی پرسشنامه است، بستر حقوقی دارای ۱۱ سنجه، بستر سیاسی ۱۶ سنجه، بستر اقتصادی ۵ سنجه، بستر فرهنگی و اجتماعی ۸ سنجه، بستر اداری ۱۳ سنجه، بستر فنی دارای ۸ سنجه هستند.

۷. روایی و پایایی ابزار گردآوری

روایی^۱: روایی بیانگر این است که یک ابزار درست همان چیزی را می‌سنجد که بدان منظور طراحی شده است (لونبرگ و آیربی، ۱۳۹۳: ۱۵۶). فرایند بررسی روایی در کلیه مراحل پژوهش بدین صورت است:

برای تأیید روایی، کلیه سؤالات مصاحبه با مطالعه چند باره ادبیات موضوع و مقاله‌های مربوط و با تأیید و تصویب اساتید محترم راهنما و مشاور تهیه شده‌اند.

طراحی کلیه سؤالات مصاحبه و یادداشت‌برداری و مراحل کدگذاری و تحلیل آنها توسط خود پژوهشگر انجام گرفته است.

برای تأیید روایی اعتبار در انتهای فرایند کدگذاری، از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا جدول نهایی حاصل از کدگذاری را مطالعه کنند و در مورد میزان انطباق آن با گفته‌های شان در طول مصاحبه نظر دهند. در پایان با اطمینان بسیار بالایی روایی فرایند کدگذاری تأیید شد.

پایایی^۲: مقصود از پایایی آن است که اگر ابزار اندازه‌گیری را در یک فاصله زمانی کوتاه چندین بار به گروه واحدی از افراد بدهیم، نتایج حاصله نزدیک به هم باشد. از آنجا که در پژوهش‌های کیفی به تفسیر موضوع مورد مطالعه پرداخته می‌شود، نیازی به ایجاد و ارائه مفهوم سنتی پایایی نیست و از عبارت «ممیزی پژوهش» به جای اصطلاح پایایی استفاده می‌شود (اسلامی، ۱۳۸۷: ۱۲۷). در ممیزی پژوهش محقق باید به ممیز نشان دهد که

1. Validity
2. Reliability

چگونه داده‌ها را جمع‌آوری کرده است و چگونه مقوله‌ها از آن مشتق شده‌اند. با توجه به شیوه‌میزی این پژوهش، که مصاحبه بوده است، در هر مرحله از جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، مقوله‌های مشتق‌شده به مصاحبه‌شوندگان نشان داده می‌شد تا صحت مطالب تأیید شود. همچنین سؤالات توسط افراد مطلع بازننگری شده و مناسب بودن چگونگی طرح سؤالات و موقعیت مصاحبه مورد توجه قرار گرفته است. البته در پژوهش‌های کیفی نمی‌توان در مورد مانایی نتایج تحقیق برای پژوهش‌های آینده با اطمینان سخن گفت، چرا که به دلیل دخالت عوامل انسانی نتایج پژوهش دچار تغییر خواهد شد.

۸. روایی پرسشنامه

در تأمین روایی پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش، روایی محتوا^۱ مدنظر است. اعتبار محتوا نوعی اعتبار است که اغلب برای بررسی اجزای تشکیل‌دهنده یک ابزار اندازه‌گیری به کار برده می‌شود. در واقع این نوع اعتبار فرایند تعیین معرف بودن سؤالات است ابزار با توجه به ویژگی‌ها، مهارت‌ها، دانش و آنچه مورد اندازه‌گیری واقع می‌شود. برای اطمینان از اعتبار محتوا، هنگام طراحی پرسشنامه باید چنان عمل کرد که سؤالات تشکیل‌دهنده معرف قسمت‌های محتوای انتخاب شده باشد و به هیچ وجه ابهام و نارسایی نداشته باشند. بنابراین اعتبار محتوا، ویژگی ساختاری ابزار است. اعتبار محتوای پرسشنامه پژوهش حاضر توسط افراد متخصص در موضوع مورد مطالعه و اساتید راهنما و مشاور مورد تأیید قرار گرفت.

۹. پایایی پرسشنامه

برای اندازه‌گیری پایایی از شاخصی به نام ضریب پایایی استفاده می‌کنیم که اندازه آن معمولاً بین صفر تا یک تغییر می‌کند. ضریب پایایی صفر معرف عدم پایایی و ضریب پایایی یک معرف پایایی کامل است. به منظور اندازه‌گیری قابلیت اعتماد، این پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده و با نرم‌افزار SPSS19 محاسبه شده است. این روش برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری، که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کند، به کار می‌رود. همانطور که مشاهده می‌شود، پرسشنامه در این پژوهش از پایایی

کافی برخوردار است.

جدول ۱. میزان آلفای کرونباخ متغیرها و ابعاد تحقیق

| متغیر | میزان آلفای کرونباخ |
|-----------------------|---------------------|
| بستر سیاسی | ۰/۶۹۶ |
| بستر حقوقی | ۰/۷۵۶ |
| بستر فنی | ۰/۷۹۹ |
| بستر اقتصادی | ۰/۷۸۱ |
| بستر اداری | ۰/۷۱۹ |
| بستر فرهنگی - اجتماعی | ۰/۸۴۵ |

| Reliability Statistics | |
|------------------------|------------|
| Cronbach's Alpha | N of Items |
| 0/821 | 61 |

۱۰. روش تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی

در پژوهش حاضر، به دلیل کمبود مبانی نظری در خصوص موضوع مطرح شده و همچنین احساس نیاز به یک فرایند سیستماتیک جهت جمع آوری اطلاعات، برای رسیدن به نتایج کافی استفاده از روش نظریه مبنایی ضروری به نظر می‌رسد. از آنجا که در این زمینه پژوهشی جامع و کاملی انجام نشده و برای شناسایی بسترهای اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات نیاز به انجام مصاحبه و اخذ نظرات خبرگان و صاحب نظران حوزه آزادی اطلاعات است، از این لحاظ روش نظریه مبنایی که رویکردی کیفی برای شناخت پدیده هاست در اولویت قرار می‌گیرد. روشی که بر اساس آن، علاوه بر رجوع به ادبیات تحقیق و تجربیات عینی، نظریات صاحب نظران کلیدی را نیز به عنوان مهمترین داده‌ها به کار می‌گیرد. علاوه بر این، نظریه مبنایی روشی است که از وسعت و انعطاف قابل توجهی در جمع آوری اطلاعات و تحلیل آنها برخوردار است. بنابراین با به کارگیری آن در موضوع پژوهشی حاضر می‌توان به ابعاد جدیدی از موضوع دسترسی پیدا کرد. به همین منظور باید از ابزار تحلیلی «کدگذاری» استفاده کرد. کدگذاری در روش نظریه مبنایی، نشان‌دهنده عملیاتی است که در آن داده‌ها خرد شده، مفهوم‌پردازی می‌شوند و آنگاه با

روش‌های تازه دوباره به هم پیوند زده می‌شوند. کدگذاری، فرایندی است که امکان رسیدن به نظریه‌ها را بر اساس داده‌ها فراهم می‌سازد که شامل سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است (محمدی، ۱۳۸۷: ۵۲؛ ذکایی، ۱۳۸۱: ۱۸).

۱.۱. روش کدگذاری در پژوهش حاضر

در روش نظریه‌مبنایی محقق مجبور نیست تمام مراحل کدگذاری را انجام دهد. آن‌هایی که تنها به تجزیه و تحلیل راضی هستند می‌توانند کار را تا مرحله کدگذاری محوری انجام دهند و از کدگذاری انتخابی که مرحله پردازش و پرداختن به نظریه است چشم‌پوشی و این خود کاری ارزشمند است. زیرا که پرداختن به نظریه کاری مشکل است و نیازی هم نیست که همه در هر تحقیقی به نظریه جدیدی دست یابند (محمدی، ۱۳۸۷: ۵۸). از این رو با توجه به عدم نیاز به تدوین نظریه در پژوهش حاضر، داده‌ها از طریق کدگذاری باز تحلیل و بسترها شناسایی شدند. واحد تحلیل اطلاعات در این پژوهش سطر یا جمله است؛ به این صورت که پس از اولین مصاحبه متن آن در قالب سطر یا جمله پیاده‌سازی و کدگذاری باز انجام شد. در اولین مرحله از کدگذاری بدون هیچ محدودیتی به کدگذاری مصاحبه پرداخته شد که نتایج حاصل از آن در جدولی تحت عنوان «گزاره‌های معنادار» گردآوری شد. سپس کدهای اولیه مشابهه و مرتبط دسته‌بندی شده و در غالب یک «مفهوم» کلی با هم ادغام شدند و در آخرین مرحله، مفاهیم مشابهه و مرتبط در غالب یک «مقوله» تعریف شدند. پس از استخراج کدها و مقوله‌های مصاحبه اول، به سراغ فرد بعدی برای مصاحبه رفته و کدگذاری متن مصاحبه دوم هم صورت گرفت و این روال همینطور ادامه یافت تا به اشباع نظری رسیدیم.

۱.۲. روش تجزیه و تحلیل داده‌های کمی

در این تحقیق، جهت تحلیل داده‌های کمی حاصل از پرسشنامه، از آمار توصیفی و استنباطی در نرم‌افزار SPSS19 استفاده شده است. روش‌های آماری مورد استفاده در این تحقیق عبارتند از:

الف) آمار توصیفی: از آمار توصیفی برای نمایش اطلاعات جمعیت شناختی و آماره‌های توصیفی گویه‌ها استفاده شده است.

ب) آمار استنباطی: در مرحله اول نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون

کولموگروف - اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت، با استفاده از آزمون رگرسیون بسترهای شناسایی شده اولویت بندی شدند.

۱۳. ارائه یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر در بخش کیفی ما حاصل پاسخگویی ده تن از نخبگان و صاحب نظران حوزه آزادی اطلاعات به سؤالات پژوهش است که طی مصاحبه‌ها صورت گرفت.

۱۴. پاسخ به سؤالات پژوهش

۱. زیر ساخت‌ها و تمهیدات لازم جهت اجرایی شدن قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات کدام است؟

ایران در مراحل نخست تحقق کامل آزادی اطلاعات گام بر می‌دارد و تا برآورده شدن کامل حق دسترسی به اطلاعات در کشورمان، راهی طولانی در پیش است. به‌رغم آن که وضع قانون برای حمایت از آزادی اطلاعات لازم است، اما کافی نیست. برای حمایت کارآمد از آزادی اطلاعات و فعلیت یافتن آن، تمهید مقدمات و پایبندی به لوازم آن ضروری است. همانطور که در جدول شماره ۱ مشخص است، بر اساس نتایج به‌دست آمده از مصاحبه‌ها بسترهای لازم جهت اجرایی شدن قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ۶ مقوله اصلی: فرهنگی - اجتماعی، سیاسی، حقوقی، اداری، فنی و بستر اقتصادی جای می‌گیرند.

جدول ۲. بسترهای لازم جهت اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران

| | |
|---|--|
| بستر حقوقی | ضرورت حمایت کیفری قوی از اجرای قانون |
| | بازتعریف اطلاعات شخصی و احصاء مصادیق |
| | بازتعریف محدوده اطلاعات عمومی و احصاء مصادیق |
| | شناسایی قوانین مرتبط و موازی با این قانون و اصلاح قوانین مغایر با شفاف‌سازی |
| | تدوین و تصویب قانون در ارتباط با آزادی بیان |
| | تدوین کاربرگ رضایت از افشای اطلاعات شخصی و موارد استفاده از آن |
| | تدوین لایحه حریم خصوصی |
| | تدوین لایحه طبقه‌بندی اطلاعات دولتی |
| | تدوین اختیارات قانونی امحای جزئی و یا کلی اطلاعات |
| | تدوین قواعد عمومی مسئولیت‌های مدنی، کیفری و اداری ناشی از افشای اطلاعات محرمانه و شخصی |
| بستر سیاسی | تعیین دقیق استثنائات قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران و ذکر مصادیق آن |
| | شفاف‌سازی عملکرد دولتمردان |
| | تجدیدنظر در ترکیب کمیسیون و به‌کارگیری افرادی از سازمان‌های مردم‌نهاد |
| | تغییر نقش سنتی دولت از مالکیت اطلاعات به امانت‌داری اطلاعات |
| | علنی بودن نشست‌های سیاسی |
| | ایجاد ظرفیت در دولت برای پاسخگویی آزادسازی اطلاعات |
| | تهیه کاربرگ درخواست اطلاعات توسط کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات |
| | ایجاد سازو کار شکایت از تخلف مجریان قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در مؤسسات عمومی و خصوصی |
| | تدوین قالب ارائه اطلاعات به درخواست‌کنندگان |
| | ایجاد یک کمیته مردمی با اختیارات قانونی جهت پیگیری و نظارت مستمر بر انتشار اطلاعات در مؤسسات عمومی و خصوصی و حسن اجرای قانون |
| بستر فرهنگی | حمایت از افشاکنندگان اطلاعات مربوط به مفاسد |
| | مرور تجارب بین‌المللی در زمینه اجرای قانون آزادی اطلاعات جهت تعیین موانع و چالش‌های پیش‌رو |
| | ایجاد ساز و کار حمایت و بهره‌گیری از اقدامات پژوهشی در حوزه آزادی اطلاعات |
| | آزادی شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای در صورت فیلترینگ هوشمند |
| | ایجاد فضای آزاد مسئولانه برای رسانه‌ها |
| | حمایت از مطبوعات |
| | ترویج فرهنگ شفافیت در سطوح کلی جامعه |
| | فرهنگ‌سازی در زمینه قانون آزادی اطلاعات |
| | مبارزه با فرهنگ پنهان‌کاری |
| | توانمندسازی مردم در مطالبه‌گری اطلاعات |
| بستر فنی | آموزش همگانی در سه سطح مدیران، مردم و بدنه دیوانی کشور در زمینه آزادی اطلاعات |
| | ادبیات‌سازی برای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات |
| | نزدیک شدن فضاهای خبری و رسانه‌ای به استانداردهای جهانی |
| | تبلیغ و تبیین این قانون توسط رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و نهادهای مدنی |
| | توسعه دولت الکترونیک |
| | توسعه زیر ساخت‌های ارتباطی |
| | راه‌اندازی سامانه کارپوشه ملی ایرانیان |
| | اجرای فیلترینگ هوشمند |
| | راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات |
| | افزایش پهنای باند داخلی و بین‌المللی |
| طراحی و راه‌اندازی سامانه الکترونیک متمرکز جهت انتشار اطلاعات مؤسسات دولتی و پاسخ به درخواست اطلاعات شهروندان | |
| تسهیل دسترسی شهروندان ایرانی به شبکه جهانی اینترنت | |

ادامه جدول ۲. بستریهای لازم جهت اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران

| | |
|--------------|--|
| بستر اداری | تسهیل در دسترسی به اطلاعات مؤسسات عمومی و خصوصی |
| | تأسیس واحد اطلاع‌رسانی در مؤسسات عمومی برای پاسخگویی به درخواست‌های موضوع قانون آزادی اطلاعات |
| | انتصاب مسئول اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ادارات دولتی و خصوصی |
| | عدالت محوری، شفافیت و روزآمدی در تنظیم قوانین و مقررات اداری |
| | تبلیغ و ترویج فرهنگ تکریم ارباب رجوع در مؤسسات عمومی و خصوصی |
| | توسعه نظام اداری الکترونیک |
| | انتشار اطلاعات دربردارنده حقوق و تکالیف مردم از طریق رسانه‌های همگانی |
| | توسط مؤسسات عمومی و خصوصی |
| | طراحی، درج و امکان دسترسی برخط و بیست و چهار ساعته در تمام ایام هفته به اطلاعات عمومی دستگاه‌های دولتی |
| | شفاسازی و آگاهی‌بخشی مردم و کارمندان به حقوق و تکالیف متقابل مردم و نظام اداری با تأکید بر دسترسی آسان و ضابطه‌مند مردم به اطلاعات |
| بستر اقتصادی | الزام مؤسسات عمومی به قرار دادن اطلاعات عمومی خود و شیوه دسترسی به آن در وبسایت‌شان |
| | فراهم آوری امکان ارتباط امن و قانونی شهروندان با درگاه مؤسسات عمومی و خصوصی جهت انجام رویه‌های اداری |
| | الزام مؤسسات عمومی و خصوصی به رقومی ساختن اطلاعات عمومی خود و انتشار آن با فرمت آزاد |
| | استقرار کمیته ارتقای سلامت اداری و حقوق شهروندی در مؤسسات دولتی |
| | لحاظ ردیف بودجه اختصاصی جهت فراهم آوری بستریهای اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در کشور |
| | لحاظ کردن هزینه‌های مربوط به دبیرخانه کمیسیون در بودجه سالیانه وزارت فرهنگ و ارشاد |
| | تدوین سازوکار اخذ هزینه ارائه اطلاعات به شهروندان توسط مؤسسات عمومی و خصوصی |
| | تعیین میزان هزینه دریافتی از شهروندان جهت ارائه اطلاعات به آنها |
| | کاهش هزینه‌های اتصال به اینترنت |

۲. اولویت‌بندی بسترها و زمینه‌های لازم جهت اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات به چه ترتیبی است؟

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران بر اساس بسترهای شش‌گانه از دیدگاه نخبگان به ترتیب شامل بستر فرهنگی و اجتماعی، بستر حقوقی، بستر سیاسی، بستر اقتصادی، بستر فنی و بستر اداری (اولویت اول تا ششم) هستند. در این بخش ابتدا روش توصیفی بررسی نرمال بودن داده‌ها (کجی و کشیدگی) و روش مبتنی بر نظریه آزمون شاپیرو - ویلک، از آزمون‌های دوربین - واتسون (که استقلال خطاها را بررسی می‌کند) جهت کنترل مفروضات رگرسیون استفاده شده است. همچنین آزمون تحلیل واریانس یک بُعدی (جهت بررسی مفروضه خطی بودن و میزان انحراف از خطی بودن مؤلفه‌ها) و متعاقباً، رگرسیون چندمتغیره جهت توصیف و تجزیه و تحلیل و میزان پیش‌بینی‌کنندگی هر یک از بسترها به کار برده شده است.

بررسی استقلال خطاها به تفاوت مقدار واقعی و پیش‌بینی شده متغیر وابسته (متغیر ملاک) خطا گفته می‌شود. برای بررسی این فرض از شاخص دوربین - واتسون

استفاده شد که مقدار این شاخص باید بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد. در تحلیل پژوهش حاضر، این مقدار ۱/۵۸۹ به دست آمد که نشان‌دهنده پیش فرض استقلال خطاهای پژوهش است. قبل از وارد شدن به مرحله آزمون فرضیه‌ها لازم است از وضعیت نرمال بودن داده‌ها اطلاع حاصل شود تا بر اساس نرمال بودن یا نبودن آنها، آزمون مناسب استفاده شود. در پژوهش حاضر برای بررسی طبیعی بودن داده‌های جمع‌آوری شده، دو روش توصیفی (که شامل کشیدگی و چولگی) و روش مبتنی بر نظریه شاپیرو - ویلک استفاده شد. ابتدا نتایج روش توصیفی که نمایان‌گر وضعیت کشیدگی و چولگی داده‌هاست ارائه می‌شود.

جدول ۳. کجی و کشیدگی و آزمون شاپیرو - ویلک برای نرمال بودن گروه‌ها

| روش مبتنی بر نظریه | | روش توصیفی | | منبع تغییرات |
|--------------------|---------------|------------|--------|---------------------|
| شاپیرو - ویلک | سطح معنی‌داری | کشیدگی | کجی | |
| ۰/۸۵۸ | ۰/۴۵۴ | -۰/۴۱۷ | -۱/۷۷۹ | بستر حقوقی |
| ۰/۷۲۱ | ۰/۶۷۵ | -۰/۶۷۶ | -۱/۷۱۷ | بستر سیاسی |
| ۰/۷۷۵ | ۰/۵۸۵ | -۰/۸۵۷ | -۱/۶۱۵ | بستر اقتصادی |
| ۰/۶۵۷ | ۰/۴۷۸ | ۱/۲۸۴ | ۰/۷۳۹ | بستر فرهنگی اجتماعی |
| ۰/۶۸۹ | ۰/۴۳۱ | -۰/۴۱۶ | -۱/۰۴ | بستر اداری |
| ۰/۷۲۹ | ۰/۶۱۵ | -۰/۷۲۱ | -۱/۴۱۱ | بستر فنی |

نتایج جدول نشان می‌دهد که میزان کجی و کشیدگی مؤلفه‌های فوق از آنجا که آمارهای بین +۲ تا -۲ دارند، دارای توزیع نرمال و طبیعی هستند. همچنین، مقدارهای P در آزمون فوق‌الذکر از ۰/۰۵ بزرگ‌تر است. فرضیه صفر در آزمون کولموگروف - اسمیرنف، پیروی داده‌ها از توزیع مورد نظر (که در اینجا نرمال است) است. فرضیه مقابل آن عبارت است از عدم پیروی داده‌ها از توزیع مورد نظر (که در اینجا نرمال است)، با توجه به مقدار P و عدم رد فرضیه صفر، توزیع داده‌ها منطبق بر توزیع نرمال قلمداد می‌گردد.

H0: داده‌ها نرمال است

H1: داده‌ها نرمال نیست

مفروضه خطی بودن داده‌ها

جدول ۰۴. آزمون تحلیل واریانس بیانگر مفروضه خطی بودن مؤلفه‌ها

| آزمون تحلیل واریانس جهت بررسی وضعیت خطی بودن داده‌های بستر حقوقی | | | | | |
|---|--------|----|------|------|-------|
| منبع تغییرات | SS | df | MM | F | sig |
| خطی بودن | ۲۷۴۹/۶ | ۱ | ۹۲/۸ | ۶/۱ | ۰/۰۰۱ |
| آزمون تحلیل واریانس جهت بررسی وضعیت خطی بودن داده‌های بستر سیاسی | | | | | |
| منبع تغییرات | SS | df | MM | F | sig |
| خطی بودن | ۲۳۱۹/۲ | ۱ | ۹۸/۴ | ۶/۵۶ | ۰/۰۱ |
| آزمون تحلیل واریانس جهت بررسی وضعیت خطی بودن داده‌های بستر اقتصادی | | | | | |
| منبع تغییرات | SS | df | MM | F | sig |
| خطی بودن | ۲۰۴۱/۳ | ۱ | ۹۶/۱ | ۵/۵۳ | ۰/۰۱ |
| آزمون تحلیل واریانس جهت بررسی وضعیت خطی بودن داده‌های بستر فرهنگی اجتماعی | | | | | |
| منبع تغییرات | SS | df | MM | F | sig |
| خطی بودن | ۲۴۴۱/۹ | ۱ | ۹۴/۳ | ۶/۰۱ | ۰/۰۰۱ |
| آزمون تحلیل واریانس جهت بررسی وضعیت خطی بودن داده‌های بستر اداری | | | | | |
| منبع تغییرات | SS | df | MM | F | sig |
| خطی بودن | ۲۱۹/۲ | ۱ | ۹۵/۹ | ۵/۴۵ | ۰/۰۱ |
| آزمون تحلیل واریانس جهت بررسی وضعیت خطی بودن داده‌های بسترفنی | | | | | |
| منبع تغییرات | SS | df | MM | F | Sig |
| خطی بودن | ۲۱۳/۳ | ۱ | ۹/۸۳ | ۶/۶۱ | ۰/۰۱ |

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۲، سطح معناداری مقادیر F آزمون خطی بودن کمتر از میزان خطای ۰/۰۵ است. بنابراین بین متغیرهای فوق‌الذکر روابط خطی برقرار است.

جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیون قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران بر اساس بسترهای شش‌گانه

| Sig-F | F | ADJR2 | R2 | R | Sig-t | t | β | SE | B | پیش بین |
|-------|---------|-------|-------|-------|-------|-------|---------|--------|--------|--------------------------|
| ۰/۰۰۱ | ۱۵۶/۶۷۳ | ۰/۵۸۹ | ۰/۶۰۱ | ۰/۷۸۱ | ۰/۰۰۱ | ۳/۹۱ | - | ۱۶/۵۱۲ | ۴۰/۳۴۲ | ثابت |
| | | | | | ۰/۰۰۱ | ۲/۹۷۱ | -۰/۴۶۳ | ۱/۰۳ | ۱/۰۳۹ | ۱. بستر فرهنگی - اجتماعی |
| | | | | | ۰/۰۰۳ | ۱/۸۴۸ | -۰/۲۳۱ | ۰/۶۵۴ | ۲/۰۶۷ | ۲. بستر حقوقی |
| | | | | | ۰/۰۰۱ | ۲/۱۴۷ | ۰/۱۳ | ۱/۵۶۱ | ۱/۶۵۴ | ۳. بستر سیاسی |
| | | | | | ۰/۰۰۲ | ۳/۱۰۷ | ۰/۱۱ | ۱/۳۷۸ | ۰/۸۷۲ | ۴. بستر اقتصادی |
| | | | | | ۰/۰۰۱ | ۲/۰۳۲ | -۰/۰۴۱ | ۲/۰۷۸ | ۱/۱۵۶ | ۵. بستر فنی |
| | | | | | ۰/۰۰۱ | ۱/۸۳۹ | -۰/۰۲۵ | ۰/۹۹۱ | ۰/۱۵۶ | ۶. بستر اداری |

۱۵. فرضیه پژوهش

۱. بسترهای لازم جهت اجرای قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» در ایران، به لحاظ اولویت، تفاوت معنی‌داری دارند.

برای تعیین تأثیر مؤلفه‌های بستر حقوقی، بستر سیاسی، بستر اقتصادی، بستر فرهنگی اجتماعی، بستر اداری و بستر فنی بر روی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران، بسترهای شش‌گانه به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران به‌عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیون وارد تحلیل شدند. همان‌طور که در جدول زیر مشاهده می‌شود، مدل معنی‌دار به‌دست آمد ($F=156/673$, $P=0/001$). یعنی اثر رگرسیونی بسترهای شش‌گانه بر روی پیاده‌سازی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران با $F=156/673$, $P=0/001$ معنادار است. به عبارت دیگر، مجموع مجذورات باقی‌مانده، به آن میزانی نبود که اثر رگرسیونی را خنثی کند. لذا تغییر نشان داده شده به‌وسیله مدل رگرسیونی بر اثر تصادف و اتفاق نیست، بلکه بر اثر تأثیرات بسترهای شش‌گانه است. بر این اساس این بسترها به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین می‌توانند ۵۸ درصد از واریانس قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات را به‌صورت تعدیل شده، تبیین کنند. در این میان، بستر فرهنگی - اجتماعی با ضریب بتای (۰/۴۶۳) قوی‌ترین متغیر پیش‌بین بر پیاده‌سازی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات است و بعد از آن به ترتیب بستر حقوقی با ضریب بتا (۰/۲۳۱)، بستر سیاسی با ضریب بتا (۰/۱۳)، بستر اقتصادی با ضریب بتا (۰/۱۱) و بستر فنی با ضریب بتا (۰/۰۴۱) و بستر اداری با ضریب بتا (۰/۰۲۵) است.

جدول ۶. نتایج تحلیل رگرسیون قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران بر اساس بسترهای شش‌گانه

| Sig-F | F | ADJR2 | R2 | R | Sig-t | t | β | SE | B | پیش بین |
|-------|---------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|--------|--------|--------------------------|
| ۰/۰۰۱ | ۱۵۶/۶۷۳ | ۰/۵۸۹ | ۰/۶۰۱ | ۰/۷۸۱ | ۰/۰۰۱ | ۳/۹۱ | - | ۱۶/۵۱۲ | ۴۰/۳۴۲ | ثابت |
| | | | | | ۰/۰۰۱ | ۲/۹۷۱ | ۰/۴۶۳ | ۱/۰۳ | ۱/۰۳۹ | ۱. بستر فرهنگی - اجتماعی |
| | | | | | ۰/۰۰۳ | ۱/۸۴۸ | ۰/۲۳۱ | ۰/۶۵۴ | ۲/۰۶۷ | ۲. بستر حقوقی |
| | | | | | ۰/۰۰۱ | ۲/۱۴۷ | ۰/۱۳ | ۱/۵۶۱ | ۱/۶۵۴ | ۳. بستر سیاسی |
| | | | | | ۰/۰۰۲ | ۳/۱۰۷ | ۰/۱۱ | ۱/۳۷۸ | ۰/۸۷۲ | ۴. بستر اقتصادی |
| | | | | | ۰/۰۰۱ | ۲/۰۳۲ | ۰/۰۴۱ | ۲/۰۷۸ | ۱/۱۵۶ | ۵. بستر فنی |
| | | | | | ۰/۰۰۱ | ۱/۸۳۹ | ۰/۰۲۵ | ۰/۹۹۱ | ۰/۱۵۶ | ۶. بستر اداری |

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در قرن بیست و یکم، آزادی دسترسی به اطلاعات یکی از مهم‌ترین اصول حقوق بشر به شمار می‌رود. از این نظر کشورهایی که به لحاظ ساختار حکومتی نمی‌توانند دسترسی آزاد آحاد جامعه به اطلاعات را تضمین کنند، در زمره کشورهای ناقص حقوق بشر به شمار می‌روند. چرا که بنیادی‌ترین اصل در هر کشور دموکراتیک آن است که شهروندان بتوانند به واری و نظارت بر رفتار دولت و ماموران دولتی پردازند. اما این نظارت در خلارخ نمی‌دهد، شرط آن، دسترسی آزاد به اطلاعات است. دسترسی آزاد به اطلاعات در جوامع توسعه یافته و رو به رشد به عنوان یکی از ابزارهای جامعه مدنی جهت جلوگیری از فساد و شفاف‌سازی فعالیت‌ها، در کلیه سطوح مورد استفاده قرار می‌گیرد. قانونگذار ایرانی نیز ضرورت این آزادی را دریافت و در سال ۱۳۸۷ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات را تصویب کرد، اما فعلیت یافتن این قانون مستلزم فراهم‌آوری مقدمات و لوازمی است؛ از جمله این که لازم است عناصر تشکیل‌دهنده این آزادی یعنی «اطلاعات» به عنوان موضوع، «مؤسسات عمومی» به عنوان متعهد و مکلف و «دارندگان» حق دسترسی به اطلاعات در معنای موسع خود مورد توجه قرار گیرند؛ دسترسی به اطلاعات تسهیل شود و دولت مکلف شود تدابیر ترویجی برای مبارزه با فرهنگ اسرارگرایی اتخاذ کرده و اجرا کند. باقر انصاری نیز از موارد مذکور در مقاله «مفهوم و مبانی و لوازم آزادی اطلاعات» تحت عنوان «توسعه قلمرو آزادی اطلاعات» یاد می‌کند و آن را یکی از لوازم اصلی تحقق آزادی اطلاعات به شمار می‌آورد.

یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که نخبگان آزادی اطلاعات، لوازم و بسترهای لازم جهت اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران را در غالب هفت مقوله اصلی: فرهنگی - اجتماعی، سیاسی، حقوقی، اداری، فنی و بستر اقتصادی بیان کرده و در زمینه فراهم‌آوری آنها معتقد به اولویت‌بندی هستند. به گونه‌ای که فرهنگ‌سازی در زمینه آزادی اطلاعات را صدرنشین جدول خود فرض نموده و بعد از آماده‌سازی زمینه‌های فکری و فرهنگی در جامعه جهت اجرای این قانون، رفع کاستی‌ها و نواقص قانون فعلی را واجب دانسته‌اند.

صدقی نیز در پژوهش خود تحت عنوان «ارزیابی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران در پرتوی اصول آزادی اطلاعات» جهت هماهنگی کامل این قانون با اصول نه‌گانه آزادی اطلاعات، انجام اصلاحات در قانون فعلی را پیشنهاد می‌دهد. اولویت سوم صاحب‌نظران آزادی اطلاعات، سوق داده شدن فضای سیاسی کشور به سمت شفافیت و همگام شدن با این قانون است. بستر اقتصادی به‌عنوان اولویت چهارم، زمینه‌ساز ورود به مرحله اقدام و عمل جهت پیاده‌سازی این قانون است. چرا که فراهم‌آوری زیرساخت‌ها و تغییر و تحول در ساختار اداری کشور مستلزم بودجه و صرف هزینه است. اولویت پنجم، مهیا کردن زیر ساخت‌های فنی و اولویت ششم، تحول نظام اداری کشور منطبق با قانون مذکور است. نتایج پژوهش حاضر در پژوهش تک‌عنصری تحت عنوان «آینده‌پژوهی آزادی اطلاعات» نیز به چشم می‌خورد؛ آنجا که عوامل کلیدی تأثیرگذار بر آینده آزادی اطلاعات از دیدگاه نخبگان و متخصصان را در غالب چهار مقوله کلی: ۱. عوامل سیاسی ۲. عوامل حقوقی ۳. عوامل اجتماعی - اقتصادی ۴. و عوامل تخصصی - فناوری بیان می‌کند. لذا پژوهش حاضر به سبب شناسایی و ارائه بسترهای لازم جهت اجرایی شدن این قانون به صورت کامل، موجز و طبقه‌بندی شده، سندی است ارزنده در راستای کمک به متولیان امر به‌عنوان یک نقشه راه در سرعت بخشیدن به روند اجرای این قانون.

پیشنهادات اجرایی

با توجه به نتایج حاصل از بخش کیفی پژوهش (جدول شماره ۱) می‌توان پیشنهادات زیر را جهت سرعت یافتن روند اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات ارائه داد:

۱. بهتر است دولت با شفافیت با ملت سخن گفته و از مخفی کردن و کنترل اخبار و اطلاعات جلوگیری کند و فضای سیاسی کشور را به سمت شیشه‌ای شدن پیش برد.

همچنین به آزادی اطلاعات به عنوان یک ضرورت نگریسته و نه تنها در شعار بلکه در عمل نیز تمام تلاش خود را در جهت اجرایی شدن هر چه سریع تر قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات به کار گیرد.

۲. قانون فعلی انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات به دلیل برخی نواقص و کاستی‌ها باید مورد بررسی و اصلاح قرار گیرد و سه لایحه آزادی بیان، حریم شخصی و طبقه‌بندی اطلاعات دولتی از سوی دولت به عنوان قوانین پیش نیاز جهت اجرای هر چه بهتر و سریع تر قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات تقدیم مجلس شود و مورد تصویب قرار گیرد.

۳. کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات نتایج پژوهش حاضر را در فراهم آوری مقدمات و تمهیدات اجرای قانون چراغ راه خود سازد.

۴. لازم است دولت فضای بازی را در حوزه آزادی اطلاعات برای رسانه‌های عمومی به عنوان نماینده افکار عمومی و مطالبه‌گران حقوق مردم ایجاد کند.

۵. طبق آیین‌نامه اجرایی ماده (۸) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات تغییرات لازم در سیستم اداری کشور جهت همگام شدن با قانون مذکور صورت پذیرد.

۶. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طایه‌دار اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در کشور شود و زمینه‌های فکری و فرهنگی لازم جهت اجرای این قانون را در جامعه مهیا سازد.

۷. دولت بودجه لازم جهت فراهم آوری سازوکارها و بسترهای اجرایی قانون مذکور را در بودجه کل سالیانه کشور لحاظ کند.

۸. وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به عنوان متولی اصلی فراهم‌سازی بستر فنی، تدابیر لازم جهت فراهم آوری هر چه سریعتر زیر ساخت‌های اجرایی شدن قانون را اتخاذ نماید.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

۱. از آنجا که نخبگان آزادی اطلاعات اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات را در حکم انقلابی اساسی در نظام اداری، اجرایی و مدیریتی کلان کشور می‌دانند، لذا پیش‌بینی آسیب‌ها در بخش‌های مختلف تأثیرپذیر از این قانون که گستره وسیعی را در برمی‌گیرد حیاتی به نظر می‌رسد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت انجام پژوهشی با محوریت

تبیین بسترهای پیاده‌سازی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران ۶۳

«آینده‌پژوهی آسیب‌ها و مشکلات احتمالی ناشی از اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران» در اجرای هر چه بهتر این قانون یاری‌رسان خواهد بود.

۲. از آنجا که این قانون در ۶۰ کشور دنیا به مرحله اجرا در آمده، مرور تجربیات

بین‌المللی در این زمینه و انجام مطالعه تطبیقی در متن قانون، نحوه اجرا و مزایا و معایب اجرایی شدن قانون مذکور در کشورهایی که از نظر مبانی حقوقی و فرهنگی به ما نزدیک‌تر هستند، خالی از لطف نیست و مانع از تکرار اشتباهات و خطاها در مسیر اجرای این قانون

در کشورمان می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. اسلامی، آذر (۱۳۸۷). بی‌تفاوتی سازمانی: استراتژی مفهوم‌سازی بنیادی، تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲. انتظامی، حسین (۱۳۹۴)، تیر ۶، «این قانون انقلاب می‌کند»، بازیابی از همشهری آنلاین: <http://www.hamshahronline.ir>
۳. انصاری، باقر (۱۳۸۱). «مؤلفه‌های دولت شفاف، حق مردم بر دانستن»، مجله اطلاع‌رسانی حقوقی، سال اول.
۴. انصاری، باقر (۱۳۸۶). «مفهوم، مبانی و لوازم آزادی اطلاعات»، نامه مفید.
۵. انصاری، باقر (۱۳۸۷). آزادی اطلاعات، تهران: دادگستر.
۶. ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۱). «نظریه و روش در تحقیقات کیفی»، فصلنامه علوم اجتماعی.
۷. صدقی، عبدالله (۱۳۹۲). ارزیابی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران در پرتو اصول آزادی اطلاعات، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۸. عرفان‌منش، محمدامین (۱۳۸۶). «آزادی اطلاعات»، مجله الکترونیکی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، دوره هفتم.
۹. عین‌الهی، تکتم (۱۳۹۲). آینده‌پژوهی آزادی اطلاعات توسط رسانه‌های مکتوب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۰. قادری، بهروز (۱۳۸۹). آزادی دسترسی به اطلاعات و تأثیر آن بر نظارت مردمی در نهادهای عمومی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۱. لونبرگ، فردریک و آیری، بوری (۱۳۹۳). روش‌شناسی تحقیق و نگارش پایان‌نامه در علوم اجتماعی، ترجمه وجه‌الله قربانی زاده و سیدمحمدتقی حسینی مرام، تهران: نشر بازتاب.
۱۲. محمدی، بیوک (۱۳۸۷). درآمدی بر روش تحقیق کیفی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۳. معتمدزاد، کاظم (۱۳۸۶). حقوق ارتباطات، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۱۴. نادری، امیرحسین (۱۳۹۰). حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و اسناد دولتی در نظام حقوقی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۵. نجفی، علی (۱۳۹۳)، آذر ۲۱. «دسترسی آزاد به اطلاعات؛ حق اولیه شهروندان»، بازیابی از خبر آنلاین: <http://khabaronline.ir>
۱۶. نمک‌دوست تهرانی، حسن (۱۳۸۳). «آزادی اطلاعات و حق دسترسی، بیان دموکراسی»، مجلس و پژوهش، شماره ۲۲.
۱۷. ویژه، محمدرضا و آزاده السادات طاهری (۱۳۹۰). «تحلیلی بر قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در پرتوی اصل کلی حاکم بر دسترسی به اطلاعات»، فصلنامه پژوهش حقوق، مقاله ۸، دوره ۱۳، شماره ۳۵.

(ب) منابع لاتین

1. Berliner, D, (2012) , Institutionalizing Transparency: The Global Spread of Freedom of Information in Law, Master's Thesis, University of Washington.
2. Hart, Thomas and Wejzel, carolin, (2007), "Freedom of information and transparent state", journal of information science, vol 33, issue4, 187.
3. Tynes J. S, (2001), Globalization and the free flow of information, durham, iddle East News Online.
4. Lor, peter johan, (2007). Is a knowledge society possible without freedom of access to information?. Journal of Information Science, Vol 33, Issue 4.

